

بررسی پدیده اسرائیلیات در تفاسیر با تاکید بر نظر علامه معرفت (ره)



دکتر سید محمد طباطبایی^۱

صدیقه رنجبر^۲

چکیده

در این مقاله، به نقطه نظرات علامه معرفت (ره) پیرامون اسرائیلیات در تفاسیر و فرهنگ اسلامی و نیز زمینه‌های نفوذ و گسترش آن پرداخته شده است. نخست معنا و مفهوم اسرائیلیات مطرح شده سپس ریشه‌ها، علل گسترش و نفوذ آن‌ها در فرهنگ اسلامی با تاکید بر دیدگاه علامه معرفت (ره) و نیز مشهورترین راویان اسرائیلیات از نظر ایشان بیان شده است. از نظر ایشان، مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای ایجاد و گسترش اسرائیلیات عبارتند از: برداشت غلط از حدیث «حَدِّثُوا عَنِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَا حَرَجَ»؛ ممنوعیت نقل و نگارش حدیث؛ مختصرگویی قرآن و تفصیل‌گویی عهدین؛ ضعف فرهنگی اعراب؛ کینه یهود؛ همراهی دستگاه خلافت با قصه‌سرایان. ایشان، افرادی مانند عبدالله بن سلام، کعب

۱- دکترای علوم قرآن و حدیث

نشانی الکترونیکی: taba1352@yahoo.com

۲ - کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

نشانی الکترونیکی: gold-mra@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۲/۷

* تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۳/۱۸

الأخبار، تمیم داری، وهب بن منبه، عبدالله عمروعاص و ابوهریره را از بانیان اصلی ایجاد و ترویج اسرائیلیات می‌شمارند و هم‌چنین تفاسیر طبری و سیوطی را پایه و اساس انتشار و پخش اسرائیلیات در کتب تفسیری متأخرین می‌دانند.

واژگان کلیدی: قرآن، تفسیر، اسرائیلیات، معرفت.

۱- طرح مسئله

نفوذ اسرائیلیات در تفاسیر و روایات ما انکارناپذیر است و این امر، باعث مشتبه شدن امور در غالب موارد بر بسیاری از مفسران ما گردیده است و هر مفسر و راوی فهیمی می‌داند که این قضیه چه تأثیر شومی بر منابع حدیثی و تفسیری ما وارد ساخته است. اما این که چه حجمی از روایات اسرائیلی وارد تفاسیر فریقین شده است، علل و انگیزه‌های نفوذ آن چه بوده است و نیز، این که نحوه موضع‌گیری مفسران به خصوص علامه معرفت (ره) در این خصوص چه می‌باشد؛ از جمله مسائلی است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود. به نوعی، بررسی مبادی فکری و اعتقادی این شخصیت برجسته قرآنی و مفسر قرآن، پیرامون این مباحث، از مسائل مورد بحث در این مقاله می‌باشد.

۲- پیشینه تحقیق

پدیده اسرائیلیات از زمان پیامبر اکرم (ص) آغاز شده است و افرادی از یهود از همان زمان شروع به دروغ‌پردازی و قصه‌گویی نموده‌اند و بالطبع، از همان زمان نیز افرادی به مقابله با این مقوله پرداخته‌اند، از جمله حضرت علی و ائمه معصومین (علیهم‌السلام). اما پیرامون منابع و کتبی که در این زمینه نگاشته شده است باید بیان شود که از متقدمان کتاب مستقلی در این باره یافت نشده است، بلکه ظاهراً این قضیه در قرون اخیر مورد تحلیل جدی واقع شده است. برخی از مفسران نیز مانند زمخشری و فخر رازی و... در ضمن تفاسیر خود اشاراتی به این مقوله داشته‌اند و برخی نیز کتب مستقل در این باره نگاشته‌اند. قابل ذکر است که این بحث با تکیه بر نقطه نظرات علامه معرفت (ره) از مباحث جدیدی است که پیشینه‌ای ندارد. چند نمونه از پژوهش‌ها در زمینه اسرائیلیات عبارتند از:

- ۱- اسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، دکتر محمد حسین ذهبی
- ۲- اسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر و الحدیث، از دکتر محمد ابوشهبه
- ۳- اسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر، دکتر رمزی نعناعه
- ۴- پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، دکتر محمد تقی دیاری
- ۵- اسرائیلیات و تاثیر آن بر داستان‌های انبیا در تفاسیر قرآن از حمید محمد قاسمی.

۳- مفهوم‌شناسی

لفظ اسرائیلیات همان‌طور که از ظاهر آن پیداست جمع است و مفرد آن اسرائیلیه است و

آن، داستان یا افسانه‌ای است که منشأ اسرائیلی دارد و نیز، اسرائیلی منسوب به اسرائیل است و اسرائیل همان یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم، پدر پسران دوازده گانه است که یهود به او منسوب می‌شود. (ذهبی، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، ۱۳)

دکتر رمزی نعنعه در کتاب خود به نقل از فان فلوتن، می‌نویسد: علمای اسلامی، اسرائیلیات را بر همه عقاید غیر اسلامی به خصوص عقاید و افسانه‌هایی که یهود و نصارا از قرن اول هجری وارد دین اسلام کرده‌اند، اطلاق می‌کنند. (نعنعه، ۷۳)

علامه معرفت نیز معتقدند: گرچه واژه اسرائیلیات در ظاهر به معنای داستان‌هایی است که از منبع یهودی سرچشمه گرفته اما در اصطلاح مفسران مفهوم وسیع‌تری گرفته است و شامل تمام افسانه‌های کهنی است که از گذشتگان وارد تفسیر و حدیث و تاریخ شده است، برخی نیز معتقدند که آنچه دشمنان از سر کینه‌توزی در تفسیر و حدیث وارد کرده‌اند اسرائیلیات است؛ علامه معتقدند اطلاق واژه «اسرائیلیات» بر همه جعلیات از باب تغلیب است چراکه بیشتر احادیث خرافی، در اصل به یک منبع یهودی متصل می‌شود (معرفت، تفسیر و مفسران، ۷۱)

۴- زمینه‌های نفوذ اسرائیلیات

بی‌تردید نفوذ اسرائیلیات در احادیث، تفاسیر و حتی گاهی بر اعتقادات و پیکره فرهنگ اسلامی و تفاسیر ما ضربه وارد ساخته است و اگر نبود همت مفسران و بزرگان با درایت و هوشمندی که با نگاه موشکافانه خود این ویروس مهلک را شناسایی و درصدد از بین بردن آن برآمدند، اکنون چیز زیادی از منابع گران‌سنگ حدیثی و تفسیری پیامبر (ص) در اختیار ما نبود.

زمینه‌های نفوذ اسرائیلیات از دیدگاه علامه معرفت (ره) شامل موارد ذیل می‌باشند:

۴-۱- ضعف فرهنگی جامعه عرب

مردم جزیره العرب پیش از این بادیه‌نشین بودند و عمدتاً از معارف عقلی بی‌بهره بودند. مسائلی مانند منازعات قبیله‌ای و انتقام‌جویی، مهم‌ترین مشغله ذهنی‌شان بود. در نتیجه، درگیری دائمی، فرصتی برای تأمل در اعتقادات دینی برایشان باقی نمی‌گذاشت. اعراب جاهلی که به استناد قرآن و برخی روایات در بی‌سوادی و گمراهی آشکار و ضعف فرهنگی شدیدی به سر می‌بردند، در مقابل اهل کتاب که از میراث دینی و پشتوانه فرهنگی برخوردار بودند و اهل سواد و کتابت بودند، احساس حقارت می‌کردند و در مقابل آن‌ها هم

چون شاگردی در برابر استاد بودند. (جعفریان، ۵۰)

ذهبی نیز به این قضیه که ریشه دوانیدن فرهنگی یهود در فرهنگ اعراب جاهلی به سبب ضعف فرهنگی شدید اعراب بود، معتقد است.

۲-۴- کینه دیرینه و دشمنی شدید یهود

از دیگر عواملی که به عنوان زمینه ایجاد و نفوذ اسرائیلیات در تفسیر و حدیث بیان می‌شود، کینه یهودیان و دشمنی آن‌ها با اسلام و مسلمین است که البته، این کینه، دلایل متعدد و متفاوتی داشته است؛ از جمله تعصبات قومی و مذهبی، تحت الشعاع قرار گرفتن دین یهود با پیدایش اسلام، انگیزه‌های مادی و منافع دنیوی و... عده‌ای از احبار یهود با ظهور اسلام، جایگاه خود را از دست رفته دیدند و به توطئه‌چینی علیه آن پرداختند. (قاسمی، ۵۳)

۳-۴- اجمال در قرآن و تفصیل در عهدین

علامه معرفت (ره) دوره پیدایش اسرائیلیات را عصر صحابه می‌داند، هنگام استدلال بر این موضوع به عامل اجمال موضوعات در قرآن و تفصیل در عهدین نیز اشاره دارند؛ ایشان می‌فرمایند: «علت این بود که اکثر مسائل تاریخی در آن زمان اموری بود که به تاریخ امت‌های پیشین و انبیای گذشته باز می‌گشت و تنها مرجع موجود نزد عرب در آن زمان برای شناخت شرح حال گذشتگان و تاریخ آنان، تورات و اهل کتاب بود، لذا، به آنان روی می‌آوردند...». (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۱۴/۲)

علامه در ادامه برای روشن‌تر شدن مطلب، نظر ذهبی پیرامون آن را بیان می‌دارد که ذهبی می‌گوید: «می‌توانیم مدعی شویم که ورود اسرائیلیات در حوزه تفسیر به عهد صحابه باز می‌گردد. زیرا قرآن با تورات و انجیل در بیان پاره‌ای از مسائل اتفاق نظر داشت، با این تفاوت که قرآن به صورت مختصر و موجز به آن‌ها پرداخته بود و تورات و انجیل آن‌ها را به تفصیل بیان کرده بودند» (ذهبی، التفسیر و المفسران، ۱/ ۱۶۹)

قابل ذکر است قرآن صرفاً به منظور عبرت‌آموزی سخن می‌گوید و به تفصیل جزئیات نمی‌پردازد بلکه به جوهر موضوع می‌پردازد و اگر ما موضوعات مشترک قرآن و عهدین را مقایسه کنیم این تفاوت آشکار است.

۴-۴- ممنوعیت نگارش و نقل حدیث

یکی از مهم‌ترین دلایل میدان یافتن اساطیر و افسانه‌های یهودی، بستن باب حدیث پیامبر اکرم (ص) است که طبعاً آن را فرصت‌طلبان یهودی با داستان‌های اسرائیلی خویش

به سرعت پر نمودند. این منع از دوران ابوبکر شروع شد و در دوران ده ساله حکومت عمر جنبه رسمی و قانونی یافت و تا زمان حکومت عمر بن عبدالعزیز برقرار ماند. در راستای همین امر بود که عمر سه نفر از محدثین به نام‌های ابن مسعود، ابوالدرداء و ابومسعود انصاری را به جرم نقل حدیث حبس کرد و تا کشته شدن وی این سه نفر به شدت تحت نظر بودند (ذهبی، تذکرة الحفاظ، ۱/ ۱۱ و ۳/۱)

۴-۵- قصه‌سرایان، همراهی دستگاه خلافت با آنان

یکی دیگر از زمینه‌هایی که حکومت‌ها، آگاهانه یا غیر آگاهانه برای ایجاد اسرائیلیات فراهم کردند این بود که به رغم سنت پیامبر (ص) از قصص و قصه‌گویان استقبال کردند. حال آن‌که پیامبر (ص) همواره از این کار منع می‌فرمودند. روایت است که: «روزی ایشان وارد مسجد شد و مشاهده کرد جماعتی گرد یک نفر جمع شده‌اند فرمودند: چه خبر است؟ گفتند علامه‌ای است. فرمود علامه یعنی چه؟ گفتند: داناترین مردم است به دودمان عرب، حوادث ایشان، روزگار جاهلیت و اشعار عربی را می‌داند. پیامبر (ص) فرمودند: این‌ها علمی است که ندانستن آن برای کسی ضرر و زیانی ندارد و دانش آن عالم را سودی نمی‌بخشد...» (کلینی، ۳۲/۱)

علامه معرفت (ره) معتقدند که قصه‌گویی ابزاری سیاسی بود که در پوشش پند و اندرز، ملعبه ارباب سیاست قرار گرفته بود و سیاست‌بازان آن را به عنوان ابزار پیش‌برد سیاست‌های خویش و توجیه عوام الناس در خدمت خویش گرفته بودند. (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۱۸/۲) علامه (ره) از ابوشهبه نقل می‌کنند که بدعت قصه‌گویی در زمان خلافت خلیفه دوم به وجود آمد. (ابوشهبه، ۸۹ و ۹۰)

۴-۶- سهل‌انگاری در نقل و نقد روایات

یکی از عواملی که در رواج روایات اسرائیلی موثر بود خوش‌بینی به اهل کتاب بود؛ صحابه و خصوصا تابعین با اعتماد به اهل کتاب و خوش‌بینی به آن‌ها، در نقل و نقد اسناد روایات سهل‌انگاری نموده، حتی اسناد روایات را حذف می‌کردند و این کار برای مفسران و محدثان دوره‌های بعد بسیار مضر بود، چرا که آن‌ها برای بررسی صحت و سقم این روایات دست‌آویزی جز نقد محتوایی متون نداشتند که آن هم به سبب تفاوت ادراک و فهم و نیز تفاوت برداشتها از اسلام و قرآن؛ به طور کامل میسر نبود (معرفت، تفسیر و مفسران، ۲۰۲/۱)

۵- سوء برداشت از حدیث «حَدَّثُوا عَنِ الْيَهُودِ وَ لَا حَرَجَ»

هنگامی که در کتب تفسیر و مفسران، التمهید، تفسیر الاثری و دیگر کتب علامه معرفت (ره) به جستجو بپردازید، خواهید دانست که علامه علاوه بر موارد مذکور، عاملِ سوء برداشت از حدیث «حَدَّثُوا عَنِ الْيَهُودِ وَ لَا حَرَجَ» را نیز یکی از عوامل بسیار مهم در پیدایش اسرائیلیات می‌داند.

۶- دیدگاه‌ها و دلایل در مورد رجوع به اسرائیلیات:

درباره رجوع به اهل کتاب، دو قول موافق و مخالف وجود دارد. دسته اول می‌خواهند با ادله خویش ثابت کنند که رجوع به اهل کتاب جایز است. علامه (ره) معتقدند هدف آنان، توجیه عملکرد عده‌ای از صحابه و نیز تازه‌مسلمانانِ اهل کتاب است که بر مراجعه به اهل کتاب پافشاری می‌کردند. (معرفت، تفسیر و مفسران، ۷۸/۲).

الف: دلایل موافقان:

از جمله دلایل این عده موارد ذیل است:

۱- آیاتی که پیامبر (ص) و مسلمانان را به مراجعه به اهل کتاب می‌خواند. مانند آیات: «فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ». (یونس، ۹۴) اگر در آنچه بر تو نازل کرده‌ایم تردید داری از اهل کتاب که همیشه کتاب‌های آسمانی را می‌خوانند بپرس، سوگند می‌خورم که از ناحیه پروردگارت حق بر تو نازل شده بنا براین، دیگر جا ندارد که از دودلان باشی. «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». (انبیاء، ۷) «ما پیش از تو مردانی نفرستاده‌ایم مگر اینکه به آن‌ها وحی می‌کرده‌ایم اگر خودتان نمی‌دانید از اهل کتاب بپرسید».

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». (نحل، ۴۳) و پیش از تو، جز مردانی که به آن‌ها وحی می‌کردیم، نفرستادیم، اگر نمی‌دانید از آگاهان بپرسید (تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام از میان همین مردان برانگیخته شده است).

«وَسَأَلْتَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ». (اعراف، ۱۶۳) «و

از آن‌ها درباره (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود پرس. زمانی که آن‌ها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی) خدا می‌کردند همان هنگام که ماهیانشان، روز شنبه (که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود، بر سطح آب)، آشکار می‌شدند اما در غیر روز شنبه، به سراغ آن‌ها نمی‌آمدند این چنین آن‌ها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می‌کردند.» و نیز آیاتی که آشکارا اعلام می‌دارد که از بنی اسرائیل بپرسید: «فَسْئَلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (اسرا، ۱۰۱) پس از بنی اسرائیل سؤال کن و یا: «سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَ مَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (بقره، ۲۱۱) از بنی اسرائیل بپرس: «چه اندازه نشانه‌های روشن به آن‌ها دادیم؟» (ولی آنان، نعمت‌ها و امکانات مادی و معنوی را که خداوند در اختیارشان گذاشته بود، در راه غلط به کار گرفتند) و کسی که نعمت خدا را، پس از آن که به سراغش آمد، تبدیل کند و در مسیر خلاف به کار گیرد، گرفتار عذاب شدید الهی خواهد شد که خداوند شدید العقاب است.

از جمله مدافعان این نظریه ذهبی می‌باشد که می‌گوید: این اوامر که پیامبر (ص) را به پرسش از اهل کتاب فرا می‌خواند جملگی بر جواز رجوع به آنان دلالت دارد. (ذهبی، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، ۶۳-۶۰) البته ذهبی در ادامه بر این حکم تبصره‌ای نیز اضافه می‌کند که طبق آن، روایت از یهود در جایی که موافق شریعت ماست، جایز است یا در جایی که شریعت سکوت کرد و صدق و کذب معلوم نیست.^۱

۲- دلیل دومی که مدافعان به آن احتجاج می‌ورزند، روایتی است از پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «حَدَّثُوا عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَا حَرَجَ»، ذهبی معتقد است که اباحه عامی که از این روایت به نظر می‌رسد، شامل نقل اخبار گروه سوم هم می‌شود یعنی دسته‌ای از اخبار که صدق و کذب مشخص نیست.

ب: ادله مخالفان از جمله علامه معرفت (ره) بر عدم جواز نقل روایات اهل کتاب:

علامه معرفت (ره) معتقدند دلایلی که بر اثبات این مدعا آورده شده است، نارساست. زیرا یهودیانی که در همسایگی اعراب می‌زیستند مانند خود اعراب بادیه‌نشین فاقد هرگونه اطلاعات علمی و غیره بودند، دانشمندان اهل کتاب نیز اهل نیرنگ و مکر بودند و چنان که قرآن درباره آن‌ها گفته است از پیش خود نسخه‌ها می‌نوشتند و می‌گفتند این گفته خداست!!! و از این رو پیامبر (ص) شدیداً از مراجعه به آن‌ها منع می‌نمودند و اما استدلال به آیاتی که بیان کردند بسیار سست است، زیرا این آیات همه کنایه‌اند و از باب «ایاک

اغنی و اشمعی یا جاره» است. علامه (ره) هم چنین می‌فرمایند: درست است که در ظاهر، خطاب این آیات متوجه شخص پیامبر (ص) است؛ در واقع، مقصود، دیگران یعنی تردید ورزان در امر رسالتند که اصل مسلمان نبودند، چنان که از صدر و ذیل آیه ۹۴ سوره یونس بر می‌آید مقصود کافران و منافقانند: «فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ». اگر در آنچه بر تو نازل کرده‌ایم تردید داری از اهل کتاب که همیشه کتاب‌های آسمانی را می‌خوانند بپرس، سوگند می‌خورم که از ناحیه پروردگارت حق بر تو نازل شده بنابراین، دیگرجا ندارد که از دودلان باشی».

علامه (ره) در ادامه می‌فرمایند: تنها مرجحی که این شک‌ورزان امکان مراجعه به آن را داشتند و به آن روی می‌آوردند، اهل کتاب ساکن در همسایگی آنان بودند؛ لذا مقصود آیه، پیامبر (ص) و مسلمانان معتقد به رسالت او نیستند. (معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، ۸۲/۲)

ایشان در ردّ دلیل دوم نیز اذعان می‌دارد: حدیث «حَدَّثُوا عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَا حَرْجَ» کنایه از مبالغه در رسوایی و فضاحت آنان است. بدین معنا که علامه معتقدند، به‌رغم برداشتی که آن‌ها از این حدیث کرده‌اند این حدیث در فضایی دیگر و به منظوری دیگر بیان شده است، بدین معنا که هر ردیلت و عمل ناپسندی که تصور کنید از بنی‌اسرائیل برمی‌آید، بنابراین هر چه درباره آنان بگویید درست خواهد بود؛ چراکه از ارتکاب هیچ ردیله و گناهی پرهیز نمی‌کردند. به عبارتی، علامه (ره) می‌خواهند بفرمایند که این گفتار پیامبر (ص) برگرفته از مثلی است که در بین خود اعراب رایج است و کنایه از یک گستردگی مطلق است: «حَدَّثَ عَنْ الْبَحْرِ وَ لَا حَرْجَ» یعنی دامنه سخن درباره دریا گسترده است و هر چه درباره‌اش بگویی جا دارد. همان‌طور که درباره یکی از سخاوتمندان عرب گفته‌اند: «حَدَّثَ عَنْ مَعْنٍ وَ لَا حَرْجَ» کنایه از این که دامنه نیکی‌های معن بن زائده شیبانی آن‌قدر گسترده است که هر فضیلتی را که بگویید درست است.» (میدانی، ۲۰۷/۱، شماره ۱۱۰۳)

در این تعبیرات، محدث به معنای روایت و نقل خبر از آنان نیست و این نظریه را حدیث احمد بن حنبل تأیید و تحکیم می‌کند که می‌گوید: هر چه درباره بنی‌اسرائیل بگویید جا دارد، زیرا شما هر چه درباره آنان بگویید و فکر می‌کنید عجیب است، امور عجیب‌تر هم در آنان یافت می‌شود. (معرفت، تفسیر و مفسران، ۸۳/۲)

در مجموع علامه (ره) معتقدند که به‌رغم نهي از مراجعه به اهل کتاب کسانی در میان

مسلمانان بودند که از مراجعه به ایشان و مطالعه کتب آنان خودداری نمی‌کردند و غرض آنان این بود که به مطالبی دست یابند که به گمان آنان جای آن‌ها در میان احادیث مسلمانان خالی بود! این عادت جاهلی بعد از وفات پیامبر (ص) بسیار رایج شد چرا که باب علم الهی که در شخصیت پیامبر (ص) تجلی یافته بود بر آنان بسته شد. علامه (ره) می‌فرماید: «از روی غفلت از مراجعه به چشمه‌سارهای جوشان علوم آن حضرت و صحابه دانشمندان به ویژه باب علم نبی، علی (ع) و همراهان و هم‌فکران آن حضرت مانند ابن عباس و ابن مسعود و امثال آنان نیز روی برتافته بودند، لذا، چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند.» (معرفت، تفسیر و مفسران، ۷۶/۲)

مشهورترین راویان اسرائیلیات

در این که چه کسانی در گسترش اسرائیلیات نقش دارند و نیز این که هر یک چه سهمی در رواج جعلیات داشته‌اند اختلاف نظر است. گاهی برخی یکی از آن‌ها را برجسته‌ترین چهره مروج می‌دانند و برخی می‌کوشند که او را از زمره این مروجان حذف و تبرئه کنند، اما آن‌چه قابل توجه می‌باشد این است که متأسفانه در این‌جا نیز برخی نتوانسته‌اند آزادانه به دور از تعصب به داوری بنشینند و برای تزکیه سنت پیامبر (ص) از این اباطیل، گامی بردارند!!

از جمله ذهبی که ورود اسرائیلیات را به فرهنگ اسلامی و تفاسیر قرآن به روشنی باور دارد و حتی در این باره کتابی به نام «الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث» نگاشته است، هنگامی که می‌خواهد از بنیان و مروجان آن نام ببرد، گویا چیزی مانع از آن می‌شود. وی حتی مصرّ است شاخص‌ترین مروجان را که به گواهی تاریخ کعب الاحبار، عبدالله بن سلام و وهب بن منبه، می‌باشند، از این امر می‌بری کند. (ذهبی، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، ۱۰۰-۸۹) که البته مهم‌ترین دلیل آن نیز تعصبی است که نسبت به خلفا دارد، چرا که در صورت اثبات و قبول این امر، مشکلاتی پدید خواهد آمد.

مشهورترین راویان از نگاه علامه معرفت (ره)

علامه معرفت (ره) در این باره می‌فرماید: با مراجعه به کتب تاریخ، سیر، حدیث و تفسیر به دست می‌آید که مراجع اصلی پخش اسرائیلیات در جوامع اسلامی هفت نفرند: عبدالله بن سلام، تمیم بن اوس داری، کعب الاحبار، عبدالله بن عمرو بن عاص، ابوهریره، وهب بن

منبه و محمد بن کعب قرظی. نفر هشتمی نیز بر آنان افزوده‌اند: ابن جریج (معرفت، تفسیر و مفسران، ۸۴/۲)

سپس علامه (ره) آن‌ها را به سه دسته تقسیم می‌نماید:

۱- سه نفر نخست که سابقه کتابی بودن دارند.

۲- عبدالله و ابوهریره که از حالت شرک به اسلام گرویده‌اند.

۳- سه نفر اخیر که زاده شده اسلام از نیاکان کتابی هستند.

گروه اول: عبدالله بن سلام که نامش «حصین بن سلام بن حارث اسرائیلی» از اخبار یهود بود که هنگام ورود پیامبر (ص) به مدینه اسلام آورد. آن حضرت او را عبدالله نامید. او از جمله کسانی بود که برای جلب نظر عامه مردم جعل حدیث می‌کرد تا بتواند جایگاه اجتماعی بلندی نزد عوام به دست آورد. از جمله جعلیات او حدیثی است که درباره صفات پیامبر (ص) در تورات ساخته بود و او مدعی بود که داناترین یهودیان نسبت به کتب پیشینیان است. (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۱۶/۲)

تمیم بن اوس داری: ابوریقه تمیم بن اوس بن حارثه یا خارجه داری لخمی فلسطینی؛ او و برادرش نعیم که هر دو مسیحی بودند پس از آن که پیامبر (ص) در سال نهم هجری از جنگ تبوک بازگشته بود در ضمن هیئت نمایندگی ده نفره بنی‌دار خدمت پیامبر (ص) رسیدند و اسلام آوردند. او اولین داستان‌سرا است. او از عمر برای این کار اجازه گرفت، لذا، بی‌پروا در مسجد می‌ایستاد و داستان می‌گفت. (همان، ۴۴۷) از روایات مشهور او، حدیث جساسه است که داستان عجیب و غیر قابل باوری است و متأسفانه، اکثر راویان اهل سنت آن را پذیرفته‌اند. علامه معرفت (ره) درباره آن می‌فرماید: این داستان علاوه بر عجیب بودنش، ضعیف‌السند است؛ زیرا به دو طریق روایت شده است: یکی، توسط مسلم، در کتاب صحیح و دیگری، توسط احمد در کتاب مسند و هر دو طریق در نهایت به عامر شعبی ختم می‌شود.

کعب الاحبار: کعب بن نافع ذی هجن الحمیری، کنیه‌اش ابواسحاق است. در عصر جاهلیت از علمای بزرگ یمن به شمار می‌رفت و در زمان ابوبکر مسلمان شد. در دولت عمر به مدینه وارد شد. صحابه و دیگران اخبار زیادی درباره امت‌های گذشته از او اخذ کرده‌اند. او بعدها به شام رفت و ساکن حمص شد و در همان جا درگذشت. (زرکلی، ۲۲۸/۵)

به رغم آن که دکتر ذهبی، رمزی نعنانه و دیگر بزرگان اهل سنت می‌خواهند کعب را عالم و صادق در حدیث معرفی کنند آن‌چه از احادیث جرح و تعدیل حتی از بررسی محتوای

احادیث کعب برمی آید همه و همه برهانی است بر باطل بودن او. گرچه دکتر ذهبی برای تکمیل جانبداری از او اظهار می دارد که این اسرائیلیاتی که از او روایت شده است و اثر بدی هم بر عقیده مسلمانان دارد گناهِش به کعب بر نمی گردد، چراکه او فقط از آن چه در کتاب هایشان آمده است روایت می کند. (ذهبی، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، ۱۰۰) علامه معرفت (ره) در این گفتار پس از آوردن نقل قول هایی پیرامون روایات کذب و اسرائیلی کعب و اثبات این که او یکی از چهره های بارز رواج اسرائیلیات است، تلاش می کنند که در این فضا از شخصیت ابن عباس صحابه بزرگوار پیامبر (ص) دفاع کنند و آن جا که راویان کعب را معرفی می کنند استبعاد خود را از این که برخی، ابن عباس را نیز در شمار آن ها آورده اند، بیان می دارند و می فرمایند: به نظر ما این که ابن عباس از کعب الاحبار روایت کرده باشد سخن بی اساس است. هیچ روایتی که ابن عباس از کعب نقل کرده باشد به ثبت نرسیده است، بلکه برعکس ابن عباس - چنان که در گذشته گفتیم - از مراجعه کنندگان به اهل کتاب سخت خشمگین بود و آنان را نکوهش می کرد. ایشان در باورقی تذکر می دهند: احياناً اگر روایتی از ابن عباس از کعب دیده می شود کاملاً ساختگی است. (معرفت، تفسیر و مفسران، ۹۶/۲)

گروه دوم: در این گروه علامه (ره) نام عبدالله بن عمرو بن العاص و ابوهریره را می برند که هر دو از حالت شرک به اسلام گرویدند. عبدالله پیش از پدرش (عمرو بن العاص) اسلام آورد. او هفت سال قبل از هجرت متولد و در سال ۶۵ هجری در ۷۲ سالگی در گذشت، وی در جنگ یرموک دو بسته بزرگ از کتب یهود را به دست آورده بود و از روی آن برای مردم حکایت می گفت و این کار خود را با روایت پیامبر (ص) که فرمودند: «حدّثوا عن بنی اسرائیل و لاجرح» توجیه می کرد.

محمود ابوریّه نیز می گوید: از وقایعی که در خلال جنگ یرموک برای عبدالله رخ داد و نقش مهمی در آشنایی او با معارف اهل کتاب داشت دستیابی او به دو بار شتر از کتب اهل کتاب بود که او این غنیمت ها را پاس می داشت و بسیاری از مطالبش را برای مسلمانان نقل می کرد، همین امر سبب شده بود پیشوایان تابعین از نقل احادیث عبدالله بپرهیزند. (ابوریّه، ۱۶۴)

علامه معرفت (ره) معتقدند که او فردی کوتاه نظر بود و منش و رفتار نادرستی داشت، او در جنگ صفین با پدرش در کنار معاویه قرار گرفت در حالی که می دانست آن ها همان فئه باغیه ای هستند که در حدیث به آنان اشاره شده است، اما بهانه اش برای همراهی پدر

این بود که پیامبر (ص) به او سفارش کرده است تا از پدرش (عمرو بن العاص) جدا نشود. (معرفت، ۹۹/۲)

علامه (ره) معتقدند که راجع به اسم او اتفاق نظر وجود ندارد چنان که از اصل و نسب او و چگونگی مسلمان شدنش نیز اطلاعاتی نیست. اما در مجموع او را از اهالی صفة، بسیار پرخور و ملقب به شیخ المضیره معرفی می‌کنند و نیز می‌گویند در میان انواع غذاها و شیرینی‌ها هیچ کدام به مقدار مضیره مورد توجه نویسندگان و شاعران قرار نگرفته است و قرن‌های متمادی به سبب آن به ابوهیره کنایه و گوشه زده‌اند. ایشان از ثعالبی روایت می‌کنند که ابوهیره بسیار به مضیره علاقه داشت و لذا، برای خوردن آن بر سر سفره معاویه می‌نشست و چون هنگام نماز فرا می‌رسید پشت سر علی (ع) نماز می‌گذارد، اگر کسی از علت این عمل از او می‌پرسید پاسخ می‌داد: مضیره (آش ماست) معاویه چرب‌تر و مطبوع‌تر است و نماز پشت سر علی (ع) برتر و کامل‌تر است.» (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۰۱/۲)

البته درباره این احادیث نیز باید تحقیق بیشتری صورت گیرد. در روایت فوق گفته شده است: مضیره را در کنار معاویه می‌خورد و نماز را پشت سر حضرت علی (ع) می‌خواند، در حالی که در آن زمان معاویه در شام بود و حضرت علی (ع) در کوفه به سر می‌بردند. نیز علامه (ره) می‌فرمایند: اندیشمندان به سبب کثرت احادیث منقول او از پیامبر (ص) بر وی خرده گرفته‌اند که چگونه با این که مدت کوتاهی (سه سال) که محضر پیامبر (ص) را درک کرده و در آن روزگار هم از بضاعت علمی ناچیزی برخوردار بوده است، این همه حدیث نقل کرده است و به همین دلیل وی را متهم به جعل و تدلیس کرده‌اند. (همان، ۱۰۲)

در هر صورت، دروغگویی و تاثیرپذیری بی‌نهایت او از اهل کتاب به خصوص کعب الاحبار در تاریخ حدیث، اثبات شده است و این امر، از جمله احادیث روایت شده از او عیناً با اختلاف لفظ و وحدت مضمون از کعب الاحبار نیز بیان شده است، کاملاً مشخص می‌شود. مانند حدیث «خَلَقَ اللهُ التُّرْبَةَ فِي يَوْمِ السَّبْتِ...» خداوند زمین را روز شنبه آفرید... (مجلسی، ۲۰۶/۵۴) که حدیث‌شناسان معتقدند که این حدیث قطعاً از کعب الاحبار گرفته شده است.

دسته سوم: علامه معرفت (ره) افرادی همچون: وهب بن منبه، محمد بن کعب قرظی و ابن جریج را جزو دسته‌ای که زاده شده اسلام از نیاکان کتابی هستند، معرفی می‌کنند.

اما وهب بن منبه: از دانشمندان بزرگ اهل کتاب و ایرانی تبار از اهالی خراسان است که در زمان پیامبر اکرم (ص) اسلام آورد و چون حضور حضرت را درک نکرد او را در شمار تابعان شمرده‌اند. او علاوه بر پرداختن داستان‌ها و اخبار پیامبران و رواج بسیاری از مضامین کتب پیشینیان در یمن از طرف عمر بن عبدالعزیز منصب قضاوت در صنعاء را نیز بر عهده داشت. وی مدعی است که هفتاد و اندی از کتب پیامبران سلف را خوانده و بدین سبب در نشر و پخش اسرئیلیات دست داشت و حجم بالایی از داستان‌های اسرئیلی بدو منصوب است، تا آن‌جا که او را مورد طعن و نکوهش قرار داده‌اند و به فریب و دروغ‌پردازی متهم ساخته‌اند. وی به سال ۱۱۰ هجری در یمن به درود حیات گفت.

از افسانه‌های او آن است که بخت‌النصر به شیری مسخ شد و بدین سبب پادشاه درندگان گردید، سپس، به عقابی مسخ شد و پادشاه پرندگان گردید و در عین حال هوش و عقل انسانی را داشت و دوباره خداوند او را بازگردانید و به تدبیر امور کشورداری پرداخت. نیز او می‌گفت: عمر جهان «۶۰۰۰» سال است که «۵۶۰۰» سال آن گذشته و «۵۰۰» سال مانده است و دیگر خرافات که در کتب از او نقل و ثبت کرده‌اند. (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۰۷/۲)

محمد بن کعب قرظی: معرفی علامه معرفت (ره) از وی چنین است: «محمد بن کعب بن سلیم بن اسد قرظی مدنی، متوفای ۱۱۷. پدرش کعب، از اسیران بنی‌قریظه - یکی از قبایل یهود عرب- است که در حمایت قبیله اوس در آمد. ابتدا در کوفه و سپس، در مدینه سکونت گزید. نیاکان کعب از کاهنان یهود بوده‌اند.

نظرات پیرامون او مختلف است. برخی او را ثقه، صالح و عالم به قرآن می‌دانند و برخی داستان‌سرا و راوی اسرئیلیات. علامه (ره) معتقدند که او از داستان‌سرایان پر افسانه است. (همان، ۱۰۸)

ابن جریر: عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریر مکتبی به ابوالولید یا ابوخالد (۸۰-۱۵۰هـ) اصلتا رومی و معتقد به آیین نصرانی و از علما و محدثان مکه بوده است. او اولین کسی بود که در حجاز به تصنیف کتاب پرداخت. ذهبی می‌گوید: او محور روایت اسرئیلی است و اگر به کتاب تفسیر طبری رجوع کنیم، حول آیاتی که درباره نصاری نازل شده است، روایات تفسیری زیادی می‌یابیم که «ابن جریر» از او روایت کرده است. (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۸/۱)

آرایی که درباره او نقل شده است بسیار متفاوت و متناقض است. عده‌ای چون ذهبی

می‌گویند: «برخی از دانشمندان رجال او را اهل تدلیس و برخی احادیثش را ساختگی دانسته‌اند.» (همان). در حالی که علامه معرفت (ره) از احمد بن حنبل نقل می‌کنند که «او گنجینه دانش بود» و نیز معتقدند که در فراگیری دانش شهره بود. (معرفت، تفسیر و مفسران، ۴۲۴/۱)

علامه (ره) در جایی دیگر ضمن دفاع از شخصیت حقیقی و علمی او می‌فرمایند: از مفسران و محدثان نامی مکه است. نخستین کتاب‌نویس در رشته حدیث و تفسیر در حجاز شمرده شده که به تصریح یحیی بن معین: «نوشته‌ها و روایاتش مورد اعتقاد است». ایشان در ادامه، ضمن بیان نظر ذهبی درباره او و بیان علت این عقیده ذهبی می‌فرمایند: شاید بدین سبب که نیاکان وی رومی و مسیحی بوده‌اند گمان برده — همانند تمیم داری و کعب الاحبار — سابقه کتابی داشتن در وی اثر گذارده است؛ چرا که ذهبی درباره او می‌گوید: «او محور پخش اسرائیلیات در دوره تابعان است و هر گاه آیات مرتبط به نصاری را دنبال کنیم، می‌بینیم بیشترین روایاتی را که ابوجعفر طبری می‌آورد، بر محور ابن جریج دور می‌زند». علامه (ره) در این‌جا نیز پس از نقل بیان ذهبی به شدت از شخصیت ابن جریج به دفاع پرداخته می‌فرمایند: «ولی سخنی است بی‌جا و مبتنی بر هوس و هرگز نمی‌توان چنین تهمتی را درباره دانشمند خردمند و فرهیخته‌ای پارسا و مورد اعتماد همگان پذیرفت. البته ایشان هیچ شاهدهی بر این مدعا ارائه نکرده‌اند بلکه شاهد نادرستی این مدعا افسانه‌هایی است که پیرامون مائده (سفره) آسمانی نازل بر حضرت عیسی (ع) و حواریون در تفسیر طبری و درالمنثور آمده و تنها دست وهب بن منبه و کعب الاحبار دیده می‌شود و از ابن جریج اثری نیست. (همان، ۱۰۹/۲)

همان‌طور که روشن است هر یک از مفسران درباره نقل اسرائیلیات روش خاصی را دنبال کرده‌اند. برخی از آن‌ها بسیار ساده و اهمال‌گرایانه از کنار این مهم رد شده به راحتی تفاسیر خود را مملو از این اکاذیب نموده‌اند که البته با بررسی و جستجوی دقیق می‌توان به این مطلب رسید که اکثر آنان از اهل سنت بوده‌اند. برخی نیز بسیار محتاطانه به قضیه نگریسته‌اند و از تمام هوش و ذکاوت خود بهره جسته‌اند و سره را از ناسره و حق را از باطل تمییز داده و تلاش کرده‌اند که تفاسیری منزله بیافرینند که از جمله آنان، علامه محمد حسین طباطبایی (ره) در تفسیر پر برکت «المیزان فی تفسیر القرآن» می‌باشد.

ذهبی اعتراف می‌کند که مواضع بسیاری از صحاح عامه و نیز تفسیر و تاریخ طبری سرشار از سخنان کعب و ابن جریج و ابن سلام است. وی مجموع تفاسیر عامه را به لحاظ نقل و نقد

و با عدم نقل و نقد اسرائیلیات و نیز کیفیت آن‌ها به شش دسته تقسیم‌بندی نموده است. (ذهبی، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، ۱۱۹)

۸- تقسیم‌بندی مفسران و نحوه برخورد آنان با اسرائیلیات از نگاه علامه معرفت (ره)
 علامه معرفت (ره) با الگوگیری و پذیرش اصلی و دسته‌بندی ذهبی و ایجاد برخی تغییرات جزئی آن را درباره تفاسیر فریقین (اعم از شیعه و سنی) به کار برده است. زیرا باید این واقعیت تلخ و ناگوار را پذیرفت که فرهنگ اسرائیلی از تفاسیر عامه به تفاسیر شیعی راه یافته است.

تقسیم‌بندی علامه معرفت (ره) بدین شرح است:

۱- تفاسیری که اسرائیلیات فراوان را بدون سند و نیز بدون هر گونه نقد و ارزیابی آورده‌اند مانند تفسیر مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ق) و الدر المنثور سیوطی (م ۹۹ق). (معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوب القشيب، ۱۴۲/۲)

۲- آن‌ها که اسرائیلیات را با سند نقل کرده‌اند و جز در مواردی اندک به نقد آن نپرداخته‌اند، مانند جامع البیان طبری (م ۳۱۰ق).

۳- تفاسیری که اسرائیلیات را با سند ذکر کرده و در بیشتر موارد به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته‌اند، مانند: تفسیر قرآن العظیم ابن کثیر (م ۷۷۴ق).

۴- آن‌ها که اسرائیلیات را بدون سند نقل کرده و بیشتر به نقد آن پرداخته‌اند، مانند مجمع البیان فی تفسیر القرآن از طبرسی (م ۵۴۸ق)، نیز تفسیر روض الجنان ابوالفتوح رازی (م ۵۲۰ق).

۵- تفاسیری که ضمن حمله شدید به اسرائیلیات و ناقلان آن‌ها، خود به مواردی گرفتار آن روایات شده و بدون نقد آن‌ها را در تفاسیر خود آورده‌اند. مانند: الجامع لاحکام القرآن قرطبی (م ۶۷۱ق) و روح المعانی آلوسی (م ۱۲۷۰ق).

۶- تفاسیری که از نقل اسرائیلیات احتراز جسته و خود در مواردی اندک همراه با نقد و رد آن‌ها از ذکر آن خودداری کرده‌اند، مانند «المیزان فی تفسیر القرآن» علامه طباطبایی (ره) که گاهی اسرائیلیات را بدون سند و یا با ذکر منبع نقل کرده اما با معیارهای عرضه بر قرآن و سنت قطعی و عقل سلیم به نقد آن‌ها پرداخته است. (نصیری، ۳۵۸/۴)

در مجموع، هم‌چنان که از دسته‌بندی فوق برمی‌آید، علامه معرفت (ره) کتب «الدر المنثور سیوطی» و تفسیر «مقاتل بن سلیمان» و «جامع البیان طبری» را مملو از روایات اسرائیلی

می‌دانند، با این تبصره که ایشان معتقدند تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحریف شده است. چرا که از نظر ایشان تفسیر او جامع است و آثار فروزان عقل در آن پیداست و بیشتر به اهداف و مقاصد عالیه قرآن نظر دارد، وی تنها به گردآوری آرای سابقین بسنده نکرده، بلکه آن‌ها را نقد و سپس انتخاب نموده است و نیز در جمع موضوعی آیات به ظاهر متعارض نیز همت گماشته است و هم‌چنین در این تفسیر عقل و نقل هر دو رعایت شده است، ایشان هم‌چنین معتقدند به‌رغم آن‌که این تفسیر در دوران ظهورش از همان ابتدا مورد نظر دانشمندان قرار گرفته بود، اما در دوران متأخر نسبت به آن بی‌مهری احساس می‌شود و البته عامل آن را عملکرد ناروای روایان این تفسیر می‌دانند که در آن تصرف نموده، گاه بر آن افزوده‌اند. هم‌چنین گاهی در این تفسیر دوگانگی دیده می‌شود و گاه مواردی مشکوک به نظر می‌رسد که این‌ها به اعتقاد علامه معرفت (ره) از تصرفات روایان تفسیر می‌باشد. (معرفت، تفسیر و مفسران، ۲/ ۱۵۵-۱۴۸)

۹- اقسام اسرائیلیات

قبلاً ذکر شد که اسرائیلیات مجموعه‌ای از جعلیات و روایات ساختگی از هر آیین و فرهنگی می‌باشد و از باب تغلیب (به خاطر این‌که اکثریت آن مربوط به افسانه‌های یهودی است) اسرائیلیات نامیده شد. بنابراین چنان‌چه مجموعه‌ای از روایات مختلف است، دارای اقسام و انواعی هم هست. ممکن است برخی از آن‌ها کذب محض و صرفاً ساخته و پرداخته ذهن یک انسان دروغ‌گو یا مغرض باشد و نیز ممکن است به خاطر ارتباطی که میان دین اسلام و دیگر ادیان الهی وجود دارد و نیز به سبب اشتراکات آن‌ها، برخی از آن روایات مطابق با دین مبین اسلام باشد برای روشن‌تر شدن موضوع باید به این انواع دست یافت. مفسران و دانشمندان تقسیم‌بندی‌های گوناگونی در این باره داشته‌اند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

نمونه‌هایی از تقسیم‌بندی اسرائیلیات بنابر معیارهای گوناگون:

۱- روایات اسرائیلی و اخباری که از اهل کتاب وارد شده است به سه قسمت تقسیم می‌شود:

الف- به استناد قرآن و سنت رسول خدا صحیح است.

ب- به دلایل قرآنی و حدیثی کذب است.

ج- از صدق و کذب آن اطلاعی نداریم لذا مسکوت عنه می‌باشند. پیامبر (ص) نیز می‌فرمایند:

«فَلَا تَصَدَّقُوهُمْ وَلَا تَكْذِبُوهُمْ» نه آن‌ها را تصدیق کنید و نه تکذیب. (ابن کثیر، ۲/۲۷۵)

۲- تقسیم‌بندی به اعتبار صحت و عدم صحت روایات:

دکتر ذهبی تقسیم‌بندی دوگانه‌ای به اعتبار صحت و عدم صحت روایات ارائه می‌دهد.

۱- صحیح ۲- ضعیف (احادیث موضوعه هم از همین قسم‌اند). (ذهبی، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، ۴۸)

۳- تقسیم‌بندی به اعتبار موافقت یا مخالفت با شرع:

الف- موافق شریعت.

ب- مخالف شریعت.

ج- مسکوت عنه: یعنی در شرع موردی در تایید و یا رد آن بیان نشده است. علما گویند اولی مقبول، دومی مردود و سومی باید مسکوت گذارده شود. (تعاغه، ۸۵-۸۲)

تقسیم‌بندی اسرائیلیات از دیدگاه علامه معرفت (ره)

ایشان ضمن پذیرش برخی از تقسیم‌بندی‌های موجود، تقسیم‌بندی بهتری را پیشنهاد می‌کنند و می‌فرمایند: «تقسیم بهتری که می‌توان در این باره مورد توجه قرار داد این است که روایات اسرائیلی، یا به طور شفاهی نقل شده - چنان که بیش‌تر منقولات کعب الاحبار، ابن منبه، ابن سلام و امثال آنان چنین است- یا شفاهی نبوده بلکه در کتاب عهدین وجود دارد، چنان که بیش‌تر آن‌چه از اهل بیت (علیهم‌السلام) در مقام احتجاج با اهل کتاب به آن استناد شده از این قبیل است. (معرفت، علوم قرآنی، ج ۴)

به این ترتیب، ایشان بیش‌تر (اگر نگوییم همه) منقولات شفاهی را، مطالب ساختگی دانسته‌اند که هیچ اصل و اساسی ندارد و از این رو نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد.

اما قسم دوم یعنی منقولات غیر شفاهی خود به سه قسم تقسیم می‌شود:

۱- در اصول و فروع با شریعت اسلام موافق است که می‌توان آن را پذیرفت.

۲- با شریعت اسلام مخالف است که آن را رها می‌کنیم.

۳- آن‌چه را اسلام درباره آن سکوت کرده است نه می‌پذیریم و نه رد می‌کنیم و شاید سخن پیامبر (ص) که فرمودند: اهل کتاب را نه تصدیق کنید و نه تکذیب؛ ناظر به همین قسم باشد، چرا که حق و باطل در آن به هم آمیخته‌اند. (نصیری، ۴/۲۹۹)

همان‌طور که روشن گردید، علامه معرفت (ره) معتقدند که دسته اول یعنی منقولات شفاهی به طور کل مردود هستند و به هیچ وجه نباید از آن‌ها استنساخ کرد یا نقل روایت

نمود، چراکه حتی به آن چه از منقولات شفاهی که ریشه در کتاب هم ندارد، نمی‌شود اعتماد نمود بنا به همان هشدار که خداوند داده است. زیرا آن‌ها کتاب خدا را تحریف کرده‌اند و از پیش خود نوشته‌ای ساختند که گویند از جانب خداست و خدا این مسئله را در آیه ذیل هشدار داده است:

«فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره، ۷۹). پس وای بر آن‌ها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس، می‌گویند: «این، از طرف خداست.» تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آن‌ها از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند!

علامه (ره) در دسته سوم نیز روشن می‌سازند فقط دسته‌ای که موافق شریعت اسلام است، می‌تواند نقل شود چرا که دو دسته دیگر یکی مخالف شریعت است و در دیگری نیز حق و باطل به هم آمیخته‌اند و در روایت آن احتمال گمراهی و پذیرفتن باطل یا ردّ حقایق وجود دارد.

۱۰- آثار اسرائیلیات بر فرهنگ اسلامی

روشن است که وجود چنین خرافات و افسانه‌های معارض با عقل و علم در هر منبعی که یافت شود آن را از حجیت ساقط می‌کند و یا دست کم از اعتبار و ارزش آن می‌کاهد، بنابراین آشنایی با پیامدهای وجود چنین اباطیلی در تفاسیر و فرهنگ اسلامی، هر مفسر و محدث دلسوزی را بر آن می‌دارد که تفسیر و حدیثش را از آن بری سازد. در ذیل به برخی آثار سوء این‌گونه روایات اشاره می‌شود:

۱- زشت نمودن چهره اسلام و اعطای این برداشت به جهانیان که دین، جز مجموعه‌ای از خرافات نیست.

۲- دست‌آویز شدن برای مستشرقان و در نتیجه، مخدوش جلوه دادن چهره اسلام توسط آنان.

۳- ترویج این‌گونه اسرائیلیات در احتجاجات و کتب افراد ناآشنا به حدیث و قبول آن‌ها از طرف عامه مردم.

۴- اتلاف وقت علمای اسلام برای شناسایی و زدودن این‌گونه روایات از سرچشمه شریعت اسلامی.

۵- سلب اعتماد افراد به سبب وجود این روایات جعلی در کتب معتبر و اضطراب در تفسیر و اشتغال ذهن بسیاری از مسلمانان.

۶- اختلاف مسلمانان به دسته‌ها و احزاب مختلف و ایجاد بدبینی در قشر جوان.

۷- فاسد کردن عقیده مسلمانان از جمله افساد در اعتقاد به عصمت انبیا و ائمه اطهار (علیهم‌السلام). (قاسمی، ۵۱۹ و ۵۲۰)

به همین جهت است که علامه معرفت (ره) در این باره می‌فرماید: «یکی از بزرگ‌ترین بلایایی که از همان آغاز اسلام و بعد از وفات پیامبر (ص) دامن‌گیر عالم اسلامی گردید، فاجعه اسرائیلیات است که به محض وجود برای مسلمین باعث مزاحمت گردید. به خاطر کثرت اباطیل و دروغ‌هایی که نزدیک بود حقایق را وارونه جلوه دهد».

علامه (ره) عامل این امر را اهل کتاب تازه مسلمان شده و احبار یهود می‌دانند و معتقدند که آن‌ها آن‌چنان کتب اهل حدیث و تفسیر را پر کرده‌اند که دیگر حق و باطل در حدیث و تفسیر مخلوط گردید و حدیث‌گویی در معرض اتهام محققین صاحب نظر قرار گرفت. صحرائی در منطقه شام که در سال‌های آخر خلافت ابوبکر جنگی میان مسلمانان و رومیان در آن رخ داد. (معرفت، التفسیر الاثری الجامع، ۱/۱۷۶)

۱۱- نتیجه‌گیری

اسرائیلیات از جمله اصطلاحاتی است که در قرون متأخر به کار برده شده، دامنه آن بسیار گسترده است و بنا به سلیقه مفسران گاه ضیق و زمانی وسیع می‌شود. کلی‌ترین تعریف آن است که هر حکایتی که از منابع غیر اسلامی وارد فرهنگ اسلامی شده است، اسرائیلیات می‌نامند و این نام از جهت تغلیب بر آن نهاده شده است، چرا که اکثر این افسانه‌ها از یهود وارد شده است. در ابتدای تدوین تفسیر به سبب بی‌توجهی برخی از مفسران در سلسله و سند حدیث و نیز عدم بررسی در محتوای احادیث، متأسفانه بخش کثیری از آن وارد حوزه تفسیر شد. آغاز ورود اسرائیلیات به فرهنگ اسلامی به عصر صحابه برمی‌گردد. در آن زمان، برخی از صحابه به رغم نهي شديد پیامبر (ص) از مراجعه به اهل کتاب، صرفاً به خاطر ارضای حس کنجکاوی یا دسترسی به اطلاعاتی که در قرآن مسکوت مانده به اهل کتاب مراجعه می‌کردند. البته عالمان صحابه با وجود پیامبر اکرم (ص) و امیر مؤمنان (ع) هیچ‌گاه نیازمند مراجعه به اهل کتاب نبودند.

و در مجموع، علامه معرفت (ره) اسرائیلیات را از بزرگ‌ترین بلایایی می‌شمارد که از همان

آغاز دامن‌گیر عالم اسلامی شد و از آثار سوء آن، این است که آن‌قدر حق و باطل در آن آمیخته است که دیگر حدیث‌گویی در معرض اتهام محققین صاحب نظر قرار گرفت و این آمیختگی به قدری زیاد بود که نزدیک بود حقایق را وارونه جلوه دهد.

ممنوعیت نقل و نگارش حدیث تدبیر هوشمندان‌های بود که از طرف برخی‌ها برای روشن نشدن حق و مخفی ماندن باطل به کار گرفته شد و پرده بر روی بسیاری حقایق افکند و سبب رواج اباطیل بسیاری گردید که البته با وجود افراد هوشیار و دلسوزی مانند علامه معرفت (ره) و دیگران به فضل خدا راه بر این حيله يهودی بسته خواهد شد. نظیر این افراد آمده‌اند که با سخن گفتن و کاوش پیرامون این مهم، این معبر پر از سنگلاخ و ناخالصی را برای تازه‌واردان به عرضه حدیث پاک‌سازی کنند. البته برای ریشه کردن این اباطیل، هر یک از قرآن‌پژوهان و محدثان موظفند هوشیارانه عمل کنند و طبق نظر علمای بزرگوار ابتدا احادیث و روایات را به قرآن کریم عرضه و سپس، با نظرات اهل بیت (ع) مقایسه کنند و در گام بعدی، با نظرات علمای بزرگوار منطبق نموده، ناخالصی‌ها را بزدايند.

منابع

- ۱- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم، دارالمعرفة، بیروت، ۱۳۸۸هـ-۱۹۶۹م
- ۲- ابوری، محمود، اضواء علی سنة المحمدية، دارالمعارف، مصر، بی تا
- ۳- ابوری، محمود، اضواء علی سنة المحمدية، نشر البطحاء، قم، بی تا، چاپ پنجم
- ۴- ابوشهبه، محمد بن محمد، الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر، نشر دارالجیل بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۳هـ-۱۹۹۲م
- ۵- احمد بن حنبل، مسند، محقق: سید ابوالمعالی نووی، عالم الکتب، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۸م
- ۶- جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۳
- ۷- دیاری، محمدتقی، پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، چاپ اول، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۷۹
- ۸- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۰ق
- ۹- ذهبی، محمد حسین، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، مکتبه وهبه، قاهره، چاپ چهارم
- ۱۰- ذهبی، محمد حسین، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، انتشارات لجنة النشر فی دارالایمان، دمشق، چاپ دوم
- ۱۱- ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، نشر دارالکتب الحدیثه، بی جا، چاپ دوم، ۱۳۹۶هـ
- ۱۲- ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، بیروت، داریوسف، بی تا
- ۱۳- ذهبی، محمد حسین، تذکره الحفاظ، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۹هـ
- ۱۴- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، قاموس تراجم، انتشارات دارالعلم للملایین، بیروت، لبنان، چاپ هفتم، ۱۹۸۶م
- ۱۵- قاسمی، حمید محمد، اسرائیلیات و تاثیر آن بر داستان‌های انبیا در تفاسیر قرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۰

- ۱۶- کلینی، عمر بن یعقوب، اصول کافی، انتشارات اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش
- ۱۷- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۴ق
- ۱۸- معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، جامعه الرضویة للعلوم الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۱۴۲
- ۱۹- معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، چاپ دوم، مشهد، مؤسسه طبع و نشر فی الآستانة الرضویة المقدسة، ۱۳۸۳ش
- ۲۰- معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، چاپ اول، قم، مؤسسه فرهنگي التمهید، ۱۳۸۰
- ۲۱- معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷، زیر نظر گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه، به کوشش علی نصیری.
- ۲۲- معرفت، محمد، التفسیر الاثری الجامع، موسسه تمهید، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ش،
- ۲۳- میدانی، احمد بن محمد نیشابوری، مجمع الامثال، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۳هـ
- ۲۴- نصیری، علی (به کوشش)، معرفت قرآنی، یادنگار محمد هادی معرفت، زیر نظر گروه قرآن پژوهی، ناشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول ۱۳۸۷
- ۲۵- نعناعة، رمزی، الاسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر، دارالعلم و دارالضیاء، دمشق، چاپ اول، ۱۳۹۰ ق، ۱۹۷۰م

پی نوشت ها

- ۱- البته اختلاف بین موافقان و مخالفان جواز رجوع، در همین قسمت است، چرا که نقل روایت مخالف شریعت که به حکم عقل سلیم باطل است، موافق شریعت هم سوای از حکم و جواز پیامبر، به حکم عقل، بی مانع است بحث بر سر مواردی است که صدق و کذب نامعلوم است که البته آن هم که نیست و تمام مسائل معضله اسرائیلیات به همین قسمت بازمی گردد.
- ۲- نام صحرايي در منطقه شام که در سال های آخر خلافت ابوبکر جنگی میان مسلمانان و رومیان در آن رخ داد.

